

درسهای از نهج البلاغه
(خطبه ۲۸)

آیت الله العظمی

منتظری

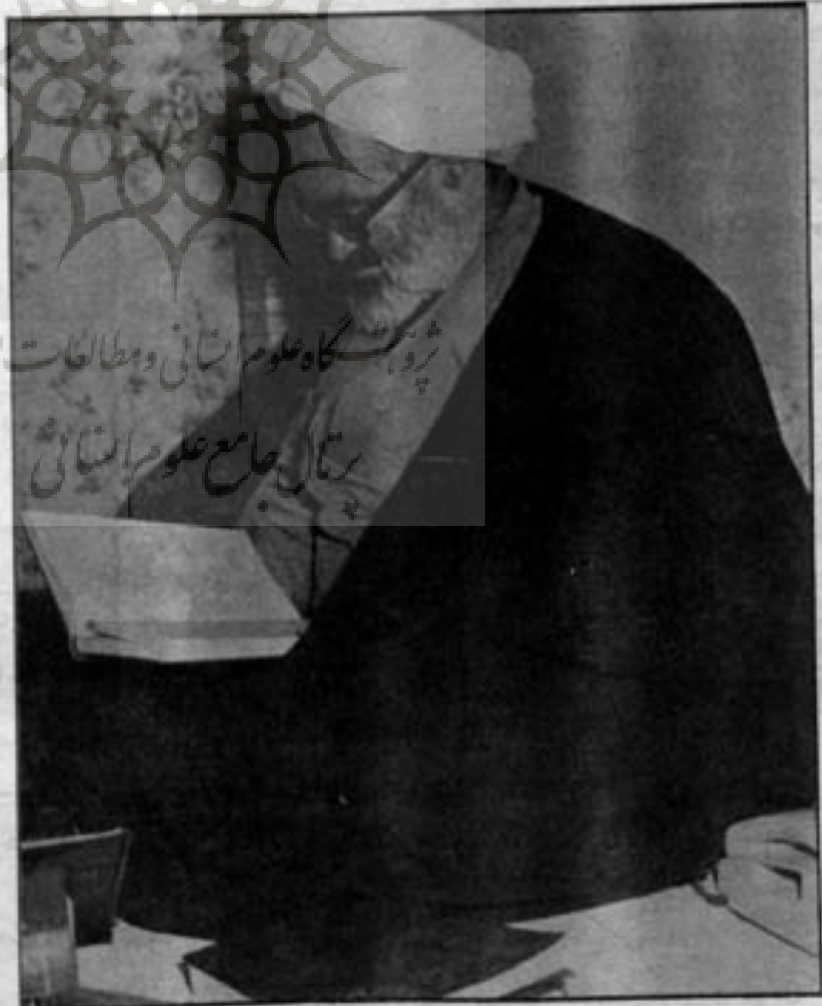
دنیا، پلی بسوی آخرت



در شماره گذشته ، قسمت اول خطبه ۲۸ نهج البلاغه با مقدمه ای تحت عنوان " جایگاه دنیا در عوالم وجود " تفسیر شد . اینک به بیان قسمت دوم این خطبه می پردازیم :
" الا وانکم فی ایام امل من وراثته اجل " - آگاه باشید ! شما در روزگاران آرزو هستید که دنبالش مرگ است .

" فمن عمل فی ایام امله قبل حضور اجله " - نفعه عملی لم یضره اجله " - هرکس در این روزگاران آرزویش کار کند ، قبل از آنکه مرگش برسد ، کارش به نفع او است و اجلس و مرگش هم به او ضرری نمی رساند .

هرکس این آرزوهای دور و دراز گولش نزد بلکه به فکر کار خیر افتاد ، مالش را در راه خیر انفاق کرد ، دخترهای بی شوهر را به شوهر رساند ، به پسرها زن داد ، به خویشان و همسایگان فقیرش کمک کرد ، مریضهای آنها را معالجه نمود ، به موسسات فرهنگی ، بهداشتی و اجتماعی کمک کرد و قصدش هم



خدا بود، این کارها است که برای او منفعت دارد، این کارها برای او می ماند. هیچ وقت نگوئید اگر در راه خیر انفاقی کردیم، اموال ما کم می شود! خیر شما در همان است که در راه خیر و برای خدا مصرف کنید. قبل از آنکه مرگ برسد خانه آخسرت را بسازید، زندگی آنجا را در اینجا فراهم نمائید. خیر شما در این است، نه آن پولی را که می گذارید و می روید، و وارثین شما می خورند و بر سر آنها کشمکش می کنند و شما در آنجا باید جوابگو باشید.

روایتی است از حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید: هرکس یک بار " سبحان الله " بگوید، درختی برایش در بهشت کاشته می شود. اگر یک بار " الحمد لله " بگوید، یک درخت برایش کاشته می شود، اگر یک " لا اله الا الله " بگوید درختی در بهشت برایش کاشته می شود و اگر کسی یک بار " الله اکبر " بگوید، یک درخت برای او در بهشت کاشته می شود عرض کردند: یا رسول الله! پس مادر آنجا خیلی باغ و درخت داریم فرمودند: به شرطی که آتشی نفرستید

آنها را بسوزاند! (۱) این اعمال شما نیز برایتان در آنجا قصر می شود و درخت می شود به شرط اینکه آنها را آتش نزنید، بلکه تا آخر نگهدارید آن درختان و قصرهایی که با اعمال خوبتان در آنجا کاشته اید و بنا کرده اید.

" ومن قصر فی ایام امله قبل حضور " " اجله فقد خسر عمله و ضره اجله " - و هرکس کوتاهی کند در روزگاران آرزوی خویش، پیش از آنکه مرگش فرارسد، عملش را باخته است و مرگش به زیان او است و اول بدبختی و گرفتاریش می باشد. فقد خسر عمله: عملش را باخته است.

أما بعد ، فإن الدنيا أدبیرت ، وآذنت بوقاع ، وإن الآخرة قد أقبكت وأشرقت بإفلاح ، ألا وإن اليوم المضار ، وقد ألباق ، والسبعة الجنة ، والغبنة النار ، أفلا تأب من خطیبتی قبل منیبی ! ألا عایل لِنفسی قبل یوم بُؤسِ ! ألا وإنکم فی ایام أمل من وراثتو أجل ، فمن عویل فی ایام املی قبل حضورِ أجلی فقد نفعه عمله ، ولم یضره أجله . ومن قصر فی ایام املی قبل حضورِ أجلی ، فقد خسر عمله ، وضره أجله . ألا فاحملوا فی الرهبی كما تمهلون فی الرهبی ، ألا وإنی لم أر کمالجنة نام طالیهما ، ولا کالنار نام حاریهما ، ألا وإنه من لا ینفعه الحق یضره الباطل ، ومن لا ینفیسیم به الهدی ، یجر به الضلال إلی الرقی . ألا وإنکم قد ابرئتم بالظنن ، ودلیتم علی الزاد ، وإن احوث ما اخلت علیکم نشتان : اتباع الهوی . وطول الأمل ، فترؤوا فی الدنیا بین الدنیا ما تخرؤون به أنفسکم . خدا

اینجا اسناد - به اصطلاح - اسناد مجازی است. خسران و زیان از آن آدم است آدم باختیاست ولی چون کارهای او سبب این زیان و خسران شده، وظایفش را درست انجام نداده، این کارها برای او وزر و وبال میشود خسران باید نسبت به شخص داده شود ولی مجازاً نسبت به عمل داده می شود.

" الا فاعملوا فی الرغبة كما تعملون " " فی الرهبی " - هان! در ایام خوشی - برای آخرتتان - کار کنید، همانگونه که در ایام سختی و ترس کار می کنید.

این یک امر طبیعی است که ما نا هنگامی که صحیح و سالم هستیم، زندگیمان بارفاه و آسایش می گذرد و مال و منال هم داریم، نهمه فکر خدا هستیم و نه بفکر مرگ و قیامت! همه چیز از یادمان می رود، ولی همین که بیمار شدیم یا بدبخت و بیچاره شدیم به گریه و زاری و توبه می افتیم و قول می دهیم که از این پس کار خوب انجام دهیم!! حضرت می خواهد بفرماید: هنر نیست در

ایام بیچارگی خدا را یاد کردن، بلکه امروز که سالم هستی، در رفاه می باشی و پول هم داری به فکر آخرت باش، آیه شریفه، خوی انسانها را چنین بیان می کند:

" وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأْتِيحَانِيهِمْ إِذَا سَأَلَ لِرَفْقَدُوهُ خُلُقًا عَرِيضًا " - هنگامی که انسان را نعمت دهیم،

اعراض می کند و روی برمی گرداند و چون به او شری برسد (گرفتار و بیچاره گردد با بیماری سختی به او برسد) آن وقت دعا های مفصل و طولانی خواهد داشت . (۲)

" رغبه : روز خوشی " رهبه " : روز سختی و ترس در قرآن نیز چنین تعبیر می کند : سراء و ضراء که سراء به معنای روز خوشی است و ضراء یعنی روز بدبختی و گرفتاری " الا وانی لم أر کالجنة نام طالیهما " " ولا کالنار نام حاریهما "

هان! من ندیدم چیزی را مثل بهشت که طلب کنندگانش در خواب باشند و ندیدم همانند جهنم که فرار کنندگان از آن به خواب فرو رفته باشند! با اینکه طبع بشر

اینچنین است که اگر در امری احتمال خطر بدهد، گرچه به قول یک بچه هم باشد، دیگریه آن راه با نمی گذارد، با این حال چه شده است او را که با آن همه تبلیغاتی که از جانب انبیا (ع) شده است، با آن همه وعد و وعیدها، باز هم بفکر آن روز نیست و دست به جنایت می زند؟! حضرت در اینجا تعجب می کنند که شما با اینکه یقین به بهشت دارید چرا خود را برای آن مهیا نمی کنید؟ چرا به فکر خریدن بهشت برای خودتان نیستید؟ چرا شیطان، بر نفس شما مسلط است؟ شما که یقین به جهنم دارید چرا راهی برای دور شدن از آن نمی یابید؟ چرا ظلم و تعدی می کنید؟ چرا حقوق خدا و حقوق مردم را نمی دهید؟ چرا زکات و خمس اموالتان را نمی پردازید؟ ای انسان! تو برای یک متاع جزئی و زودگذر - در دنیا - اینقدر به جستجو و حرکت می افتی ولی برای بهشتی که منزلگاه همیشگی تو است هیچ به فکر نیستی، بلکه در خواب غفلت فرو رفتی؟! باید از جهنم فرار کنی یعنی در همین دنیا، کارهای بدی که برای تو جهنم را درست می کند، انجام ندهی. اجل انسان که سر رسید، دیگر مهلت به او نمی دهد. لذا باید در همین دنیا کاری بکنی که از جهنم دور شود:

”إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا“
 ”إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُكُونِهِمْ ثَارًا“ (۳)
 - آنانکه اموال یتیمان را ظلماً می خوردند، آنشی در شکمهای خویش فرو

می برند و می خورند (و در آخرت نیز به جهنم خواهند رفت).

”إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ“
 ”فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ“
 ”فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ“

- آنانکه دوست دارند، فحشا در بین مومنان شیوع پیدا کند، عذابی دردناک برای آنها در دنیا و آخرت فراهم شده است. دوبهم زنی، تهمت زدن، اشاعه فحشاء، تهمت به شخصیتهای مذهبی و شخصیتهای فداکار برای اسلام و دین، تمام اینها جنایت است و جهنم در بردارد. از رسول اکرم (ص) نقل شده است که می فرماید:
 ”و هل يكب الناس على ما خرهم“
 ”إلا حصاد السنتهم؟“

- آیا چیزی مردم را به رو در جهنم می افکند، مگر دروغهای زبانهایشان؟ خلاصه اگر انسان دست از کارهای بد بردارد و در همین دنیا از جهنم فرار نکند یک وقت از خواب بیدار می شود که در جهنم فرورفته است!

”الأولاد من لا يتفقه الحق يضربه لباطل“
 - آگاه باشید! کسی که حق بر او و منفعتی ندارد، باطل به او ضرر می رساند. اگر تو در جمهوری اسلامی نتوانی زندگی کنی، چگونه در حکومت طاغوت با آن ساواک جهنمی می توانی به زندگی خود ادامه دهی؟!

”ومن لا يستقيم به الهدى، يجره به“
 ”الغلال إلى البردى“
 - کسی که هدایت، مستقیم نکند،

گمراهی او را به هلاکت می افکند.
 ”إلا وانكم قدامتم (۵) بالظنن و“
 ”دلتم على الزاد“
 - آگاه باشید! شما - تکویناً - مأمور به مسافرت هستید و برزاد و توشه آخرت هم راهنمایی شده اید.
 خواه ناخواه انسان باید به سوی عالم آخرت مسافرت کند، پس از جوانی، پیری و پس از آن، مرگ است، تازه اگر تصادف و پیش آمد یا ترور و کشتاری نباشد و مگر نه دیر یا زود انسان باید برود.
 هم اکنون - تو ای انسان! - در حال سفر هستی. مرگ تنها برای اینان که در قبرها دفن شده اند نبوده است، مرگ برای من و شما هم هست. حال که باید به آن دیار آخرت بروی، توشه راحت را با خودت ببری. نگو که توشه آخرت چیست؟ تو را راهنمایی به توشه آخرت کرده اند و امروز این تو هستی که برای خودت تصمیم بگیری اینقدر آرزوهای دوز و دراز و متابعت از هوای نفس، شما را از سعادت جاودانی باز ندارد. به این آرزوهای زود گذر دل خوش نکنید که یک وقت می بینید کار از کار گذشت: ظَنَنْ وَ ظَنَنْ: هردو کلمه بمعنای مسافرت است. در قرآن آمده است: يوم ظننکم

ای انسان! تو برای یک متاع جزئی و زودگذر در دنیا - اینقدر به جستجو و حرکت می افتی برای بهشتی که منزلگاه همیشگی تو است، هیچ به فکر نیستی بلکه در خواب غفلت فرو رفتی ای!

" و يوم اقامتكم "

" وان اخوف ما اخاف عليكم :
اتباع الهوى و طول الامل "

- ترسناکترین هراسی که بر شما دارم
دو چیز است: پیروزی از هوای نفس و درازی
آرزو. در جهت کسب ریاست و مال حرام و
حلال و ...

" هوی ": یعنی خواست نفس و گر چه
ممکن است برخواست خوب هم اطلاق شود
ولی معمولاً هوی به آن خواستهای زشت
می گویند که انسان را از سعادت باز میدارد

بالاخره می رویم قم ، خانهای می خوریم و
مجاور حضرت معصومه (س) می شویم و آن
وقت توبه می کنیم و کار خیر انجام میدهم !!
تو از کجا می دانی که هشتاد سال زنده
باشی؟! مگر از خدا سندی زنده ماندن گرفتاری؟
در حدیث دارد که وقتی آیات توبه ،
نازل شد شیطان خیلی ناراحت شد ، رفت
روی تپهای ایستاد و بچه شیطانها را صدا
کرد که بیائید می خواهیم کنفرانسی تشکیل
دهیم ! وقتی جمع شدند به آنها گفت : ما
اینقدر زحمت می کنیم ، اولاد آدم را گول
می زنیم ، اغواش می کنیم ، او را دنبال
شهوات و دنیا می اندازیم ، بکدفعه پشیمان
می شود و توبه می کند و دیگر تمام زحمتهای
ما هدر می رود و آنچه بافتیم پنبه می شود !
باید فکری کرد . هر کدام از بچه شیطانها
پیشنهادی دادند ولی شیطان بزرگ نپسندید

به مکه می رویم ، امسال خوب است که این
باغ را بخرم ، سال دیگر جوهانم را می دهم . .
و همینطور سال به سال می کند و اعمال خود
را انجام نمی دهد ، یک وقت هم اجل سر
رسید و خواجه مرد !!

کسی که از خدا سندی زنده ماندن را نگرفته
است ، پس چه بهتر که در همین دنیا ، برای
فردای آخرتش توشهای برگیرد که او را از
عذاب جهنم برهاند .

سید رضی - علیه الرحمه - در ادامه
این خطبه ، سخنان مفصلی راجع به امتیازات
کلامی این خطبه از نظر فصاحت و بلاغت و
نکات ادبی دارد که خوب است برادران اهل
ادب ، آن را مطالعه کنند .

- ۱ - وسائل الشیعه ج ۲ ص ۱۲۰۶ .
- ۲ - سوره فصلت ، ۵۱ به ۲۰ .
- ۳ - سوره نساء ، ۱۰ به ۱۰۵ .
- ۴ - سوره نور ، ۱۹ به ۱۹۹ .

- ۵ - امر در اینجا تشریحی نیست ، بلکه
تکوینی است ، یعنی طبق نظام تکوین مسا
سافر به عالم آخرت هستیم ، چه خواهیم
وجه نخواهیم .
- ۶ - خناس صیغه مبالغه است و معنایش
تاخیر اندازنده است .

تورا راهنمایی به توشه آخرت کرده اند و امروز
این توهستی که باید برای خودت تصمیم
بگیری. اینقدر آرزوهای دور و دراز، شمارا از
سعادت جاودانی باز ندارد.



تا " خناس " (۶) آمد ، گفت : من پیشنهادی
دارم و آن اینست که : ما همینطور که بر
اولاد آدم مسلطیم ، هر کس خواست به فکر
توبه بیفتد به او می گوئیم : حق با تو است !
باید توبه کرد ولی هنوز زود است ! خلاصه
آنقدر تاخیر می اندازیم و آرزوها و شهوات
دنیا را پیش رویش مجسم می کنیم تا اینکه
موفق به توبه نشود و بی توبه از دنیا برود !
شیطان بزرگ را این پیشنهاد خوش آمدواز
او تشکر کرد که مشکل را حل نموده است !
آری ! انسان گاهی به فکر خدا و قیامت
می افتد ولی می گوید : سال دیگر انشاء الله

" فترودوا فی الدنيا من الدنيا "
" ماتحزون به انفسکم غدا "
- در این دنیا از خود دنیا توشه ای
بردارید که بوسیله آن فردا بتوانید خودتان
را حفظ کنید و نگهدارید .
حرس و حرز هردو به معنای نگهداری
است .
به فکر فردایان باشید ، آرزوهای دور و
دراز شما را گول نزنند . نکوئید : آخر عمر
به فکر آخرت می افتیم !! عدای هستند که
زندگی مرفهی دارند ، می گویند : حالا چهار
صباحی را خوش می گذرانیم ، آخر عمرمان